

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۲، صص ۵۰۴-۵۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۵

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1968911.2597](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1968911.2597)

تحلیل شکوایه‌های سیاسی و اجتماعی در دوره معاصر با نگاهی به مجموعه شعر «ماه در

مرداب» پرویز خانلری و «سال‌های سیاه» مهدی حمیدی

بتول عزیزی جیرآبادی^۱، دکتر نرگس اصغری گوار^۲، دکتر علی رضانی^۳

چکیده

یکی از مضامین ادب غنایی در دوره معاصر که ذهن و زبان گویندگان آن عصر را به خود مشغول کرده، شکوایه‌های سیاسی و اجتماعی است. شاعران زیادی به این مضامین روی آورده و از اوضاع نابسامان آن دوره سخن‌سرایی کرده‌اند. در این مقاله به علت اهمیت دوره معاصر و زبان سیاسی و اجتماعی پردازش‌های این دوره، به بررسی و تحلیل شکوایه‌های سیاسی و اجتماعی در شعر دو تن از برجستگان عصر حاضر، پرویز خانلری و مهدی حمیدی شیرازی پرداخته می‌شود. پرویز خانلری از شاعرانی است که هر چند به دلیل مناصب سیاسی و موقعیت اجتماعی خود به معضلات سیاسی و اجتماعی به صورت صریح پرداخته، اما اشعار وی عاری از مفاهیم مذکور نبوده‌است. درد و رنج مردم جامعه، فریاد از ضد ارزش‌ها، خفقان سیاسی و عدم آزادی. مضامینی است که در مجموعه شعر وی نمود یافته‌است. حمیدی نیز از شاعران توانمندی است که قدرت خلق مضامین سیاسی و اجتماعی و اعتراض به وضعیت نامساعد میهن خود را دارد. مجموعه «سال‌های سیاه» وی در برگزیده مفاهیم وطنی، سیاسی، اجتماعی و انتقادی است که از اوضاع اسفناک مردم و جامعه، بی‌لیاقتی حکومت وقت، اعمال ظالمانه و رفتار مستبدانه رژیم پهلوی، قحطی و گرسنگی و برتری دزدان و راهزنان بر پاکان شکایت دارد. لذا در مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی شکوایه‌های سیاسی و اجتماعی در اشعار شاعران مورد بحث، از میان انواع شکوایه‌ها پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ادبیات غنایی، ادبیات سیاسی، شکوایه‌های سیاسی و اجتماعی، پرویز ناتل خانلری،

مهدی حمیدی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

b_azizi@iau-ahar.ac.ir

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. (نویسنده مسؤل)

Na.Asghari@iau.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

a-ramazani@iau-ahar.ac.ir



مقدمه

شعر غنایی شعری است که برگرفته از عواطف و احساسات باشد. ادب غنایی عناصر متعددی دارد که از آن جمله می‌توان به شکوایه و انواع آن اشاره کرد. شعر شکوایی شعری است که به مسائل شخصی، اجتماعی، سیاسی، فلسفی، عرفانی و ... می‌پردازد. موضوع شکوایه در اشعار اکثر شعرای دوره معاصر مشاهده می‌شود. درد و رنج‌های به‌کار رفته در شعر شاعران معاصر با موضوع شکوایه در ادوار گذشته متفاوت است. شاعران این دوره به سبب تحولات سیاسی و اجتماعی و دایره وسیع مضامین شعر نو، از ابعاد گوناگونی به جامعه و درون خود می‌نگریستند. به همین دلیل نوع بیانشان نیز نسبت به شاعران پیشین تفاوت‌هایی پیدا کرده تا جایی که این تعارضات موجبات بیان شکوایه‌ای در سبک و سیاق تازه‌ای شده، و غالب شعرهای دوره معاصر که به شیوه نیما و حتی به طرز کلاسیک سروده شده‌است با افکار و اندیشه‌ای که متناسب با اوضاع سیاسی و اجتماعی آن زمان بود، درهم آمیخته‌است. بنابراین دامنه تغییرات در اشعار این عصر به انواع شکوایه در شعر فارسی هم شکل تازه‌ای بخشید. با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی و همچنین دغدغه‌های شخصی شاعران، معنا و مفاهیم شکوایه تنوع بسیاری یافته و موضوعاتی مانند: وطن و وطن‌پرستی، نفی استبداد و استبدادگری، مقابله با نفوذ بیگانگان، عدالت اجتماعی و ... مفاهیم نسبتاً جدیدی هستند که در این دوره شکل گرفته‌است. بر همین اساس و با در نظر گرفتن دیدگاه شاعران نسبت به وطن و حس میهن‌پرستی و مبارزه با استبداد و استبدادگری و تغییر افق دید شاعران به امور سیاسی و اجتماعی، در مقاله حاضر سعی بر این شد که شکوایه‌های سیاسی و اجتماعی با نمونه‌هایی از اشعار پرویز خانلری و مهدی حمیدی بررسی شود.

پیشینه تحقیق

مقالات و کتاب‌های بسیاری درباره شعر دوره معاصر و ویژگی‌های آن و مضامین شعری شاعران از جمله عارف قزوینی و پرویز خانلری به رشته تحریر درآمده است. از میان پژوهش‌های صورت گرفته به دو مورد اشاره می‌شود:

نتایج بررسی محتشم محمدی و بشیر علوی (۱۳۹۷) با عنوان: «بازتاب رخدادهای سیاسی و اجتماعی در شعر حمیدی شیرازی» نشانگر این است که شکوایه‌های حمیدی هم بازتاب اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی دوره پهلوی است و هم بیانگر دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی وی.

طالبزاده و حسامپور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی و تحلیل شکوائیه در شعر ملک‌الشعرای بهار» به بررسی انواع شکوائیه از عناصر اصلی ادبیات غنایی پرداخته و بر این باورند که شکوائیه در ذات انسان به صورت فطری وجود دارد و انسان‌ها در مواقعی که از موضوعی نارضایتی پیدا می‌کنند به شکوائیه روی می‌آورند.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر بعد از تحقیقات مقدماتی در مورد موضوع مورد نظر سعی بر این شد که شکوائیه‌های سیاسی و اجتماعی در دوره معاصر با بیان نموده‌هایی از مجموعه شعر «ماه در مرداب» پرویز خانلری و «سال‌های سیاه» حمیدی شیرازی مورد بررسی قرار گرفته و به طور دقیق تحلیل شود. بر این اساس به جمع آوری منابع و مآخذ از طریق مراجعه به کتابخانه و سایت‌های معتبر اینترنتی اقدام شد. لذا روش پژوهش در این مقاله کتابخانه‌ای بوده، که با تهیه فیش‌هایی برای ثبت نکات مورد نیاز، به استخراج و گردآوری مطالب پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، اشعار شاعران منتخب است. شیوه پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت محتوایی می‌باشد.

مبانی تحقیق

ادبیات غنایی

شعری که توأم با آهنگ و رقص و موسیقی باشد، شعر غنایی است. تا قبل از ادب غنایی، حماسه موضوع اصلی شاعران بود. در حماسه شاعر اهداف خود را از زبان شخصیت‌ها بیان کرده و رشته سخن را به آن‌ها می‌سپارد، در حالی که در ادب غنایی غالباً خود او رشته سخن و سیر موضوعات شعرش را در دست دارد. «در این نوع ادبی، بیشتر مؤلفه‌های مورد نظر که در تشکیل ژانر نقش دارند در پیوند با ذهن و حضور ذهن شاعر مصداق می‌یابد» (عبادیان، ۱۳۷۹: ۲۹). در شعر غنایی موضوعات گوناگونی اعم از مسائل عرفانی، فلسفی، مذهبی، مدح و ستایش، هجو و هزل، توصیف طبیعت و مفاهیمی در این معنی و مفهوم مطرح است. در دوره معاصر ادب غنایی از مکتب رومانتیسم نشأت گرفته و در سال‌های اخیر به پیروی از شاعران و نویسندگان همین مکتب در آثار شاعران و نویسندگان معاصر ادب فارسی از جمله نیما یوشیج و دیگران، وارد گردیده است.

ادبیات سیاسی

ادبیات سیاسی و اجتماعی بعد از قرن هیجدهم میلادی در ادبیات جهانی گسترش پیدا کرده و این مضامین در حیطه موضوعات ادب غنایی قرار گرفت که در رواج و گسترش آن عوامل گوناگونی دخیل است، «این نوع از ادبیات از نظام اجتماعی و سیاسی خاص پشتیبانی می‌کند یا علیه آن اقدام کرده، زبان به انتقاد می‌گشاید، بزرگان ادب اروپا مانند ویکتور هوگو، ولتر، ژان پل سارتر و امثال آن، آثاری در این زمینه خلق کرده و از خود باقی گذاشته‌اند» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۰: ۱۳۶). وجود چنین آثاری در اروپا، به مرور زمان سراسر جهان را فراگرفته و زمینه را برای مبارزه و طغیان ملت‌ها علیه مستبدان و جباران فراهم نمود.

شکوائیه

شکوائیه یا بث‌الشکوی «به معنای گله و شکایت است. گله و گله‌مندی، نالیدن و زاریدن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل شکوی). شاعرانی که وجود خویش را درگیر نابسامانی‌های اجتماعی، سیاسی، چرخ فلک، بخت و اقبال شوم و جور و جفای معشوق بی‌وفا و یا فراق یار می‌بینند، احساسات درونی خود را با زبانی شکوایی بیان می‌کنند. شکوائیه به انواعی تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

شکوائیه شخصی

شکوائیه شخصی یکی از معروف‌ترین انواع شکوائیه است و کاربرد زیادی در شعر اغلب شاعران ادب فارسی دارد. «شکایت از روزگار، بی‌وفایی معشوق و هجران او، گله‌مندی از ناسپاسی ابنای زمانه، شکایت از حکومت و سیاست وقت، اظهار یأس و نومیدی از سرنوشت، شکایت از رنجوری و وضع نابسامان زندگی شخصی و غیره از نوع بث‌الشکوی فردی است» (رزمجو، ۱۳۸۵: ۱۰۹). در دوره معاصر اکثر شاعران به شکوائیه فردی تمایل بیشتری نشان داده‌اند.

شکوائیه فلسفی

فلسفه در شعر و ادب مسائل مبهم و حل ناشدنی است که ذهن و اندیشه شاعر را به خود مشغول ساخته و شاعر آن را به زبان شعر ابراز می‌دارد، «شعر فلسفی، شعر نگرانی و دلهره است که موضوع و مضمون آن نگرانی انسان از مسائل زندگی است» (فرشیدورد، ۱۳۵۷: ۴۷).

در این نوع شکوائیه شاعر از نظام هستی، گردش روزگار، نظام خلقت، آفرینش خویش و بخت و اقبال انسان‌ها شکایت می‌کند.

شکوائیه عرفانی

شکایت‌های عرفانی و فلسفی از جهاتی با هم تشابهاتی دارند و از جهاتی دیگر تفاوت‌هایی، که وجه تمایز آن‌ها را از هم‌دیگر دچار مشکل می‌سازد. اما با توجه به روح حساس و لطیف عارفان نسبت به فلاسفه، عرفا در اشعار شکوایی خود بیشتر از مفاهیمی هم‌چون تسلیم در مقابل نابرابری‌های ذاتی انسان‌ها و اضطراب و ناآرامی برای رسیدن به اصل خود و مضامینی در این باره. استفاده می‌کنند. در این شکایت از پرخاشگری و طغیانی که شاعران در چهار گونه دیگر شکوائیه دارند اثری دیده نمی‌شود (ر.ک: طالب‌زاده و حسام‌پور، ۱۳۹۸: ۳۴).

شکوائیه سیاسی

شکوائیه‌های سیاسی در بین انواع شکوائیه‌ها به دلیل تحریک عموم مردم بر علیه رژیم حاکم و حساسیت حکام مستبد و خودکامه و خطرات ناشی از سرودن این گونه مضامین، از اهمیت خاصی برخوردارند. «داشتن شجاعت و شهامت برای انتقاد از حکومت وقت امتیازی است که نصیب هر شاعری نمی‌شود، زمانی که شاعری به علت هراس از شکنجه و دربند و آزار و اذیت سکوت اختیار می‌کند شاعر پر دل و جراتی است که لب به سخن می‌گشاید و عَلم اعتراض از اوضاع نامساعد سیاسی و اجتماعی را در دست می‌گیرد. چرا که فقط «سخنور مشهور و با شهامت است که می‌تواند مکنونات قلبی خود را بازگو کند» (ظفری، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

شکوائیه اجتماعی

افکار، عقاید و اندیشه‌ها، ذوق‌ها و انتقادهای متأثر از محیط اجتماعی، انعکاسی از جامعه‌ای است که شاعر را در خود می‌پرورد. «بیان احساس شخصی در تعریف شعر غنایی بدان معنی که خواه از روح شاعر مایه گرفته باشد و خواه از احساس او به اعتبار اینکه شاعر فردی است از اجتماع، روح او نیز در برابر بسیاری از مسائل با تمام جامعه اشتراک موضع دارد» (حاکمی، ۱۳۸۶: ۱۵). در شکوائیه‌های اجتماعی شاعر از مشکلات خود انتقاد نکرده بلکه معضلات اجتماعی را موضوع اشعار خود قرار داده و زبان به اعتراض می‌گشاید.

پرویز خانلری

پرویز ناتل خانلری، در اسفند ماه سال ۱۲۹۲ (هـ ش) در تهران به دنیا آمد. پدر وی میرزا ابوالحسن،

و مادرش سلیمه دختر خاله نیما یوشیج بود. از بین اشعار قابل توجه خانلری که او را به عنوان شاعر بلند آوازه مطرح کرد قصاید «فردوسی» و «مایه ناز» بود که در سبک کلاسیک به نظم درآورد. خانلری غالباً در اشعار خود از اندیشه‌های تازه و تعبیرهایی نه چندان مستعمل و دست فرسود استفاده می‌کرد (ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۴۰۶). البته قابل تأمل‌تر از قصیده‌های فوق منظومه بلند «عقاب» است ذوق و هنر او در این شعر بسیار عالی و طرز بیان شگفت‌انگیز است. مضمون شعر فوق سیاسی بوده در حالی که وی به علت مناصب سیاسی که داشت نمی‌توانست صراحتاً انتقاد و اعتراض خود را بیان دارد بر همین اساس از نمادهایی چون زاغ، عقاب و ... برای اعتراض خود از خفقان حاکم بر جامعه استفاده می‌کرد. خانلری در شهریور ۱۳۶۹، در ۷۶ سالگی در تهران درگذشت.

مهدی حمیدی

مهدی حمیدی در سال ۱۲۹۳ (هـ. ش) در شیراز در یکی از معروف‌ترین خانواده‌ها پا به عرصه حیات گذاشت. پدرش مرحوم سید محمد حسن ثقه‌الاسلام از بازرگانان معروف بود. مادرش بانو سکینه آغازی یکی از زنان دانشمند و تربیت شده و اصیل است که در خانواده‌ای که سرا پا ذوق و قریحه و شعر بودند پرورش یافته و خود او نیز شاعره‌ای بلیغ به شمار می‌رود. از حمیدی شیرازی، دفترهای عصیان، شکوفه‌ها، شاعر در آسمان، فرشتگان زمین، سال‌های سیاه و اشک معشوق به جای مانده‌است. شکوفه‌ها و سال‌های سیاه بیشتر شامل اشعار وطنی و سیاسی - انتقادی و دفترهای پس از یک سال و اشک معشوق به طور کلی شامل اشعار عاشقانه وی است. حمیدی «پس از سال ۱۳۲۴ به تدریج گرایشی اساسی به مضامین اجتماعی و وطنی و تاریخی و شکوه از اوضاع نابسامان وطن پیدا کرد که حاصل آن پختگی و استواری شعر و استقلال زیان بود. از دفترهای شعر این دوره از کار و شاعری حمیدی، مجموعه «سال‌های سیاه» بیشتر حاوی اشعار وطنی، سیاسی و انتقادی است» (یاحقی، ۱۳۸۷: ۱۸۸ - ۱۸۷). وی در ۲۳ تیر ماه ۱۳۶۵ درگذشت.

بحث

شکوائیه‌های سیاسی و اجتماعی در مجموعه «سال‌های سیاه» مهدی حمیدی شیرازی

در اشعار حمیدی شیرازی رخدادهای سیاسی و اجتماعی به دو شیوه نمادین و غیر نمادین بیان می‌شود: «فضای خفقان‌آلود دوره حیات حمیدی، شرایط را کاملاً برای ظهور گرایش

سمبولیک (نماد و نمادپردازی) فراهم کرده است. دوره اوج این گرایش دهه سی و چهل معاصر است. حمیدی حوادث تعدد سیاسی و اجتماعی را در شعر خود با کمک نماد و دیگر صور خیال انعکاس داده است» (محمدی؛ علوی، ۱۳۹۷: ۱۴۳):

شکوه از ظلمت بیدادگر

حمیدی در شعر «آسمان سیاه» اوضاع نامساعد وطن را که همچون آسمان تیره، تیرگی و سیاهی همه جا را فراگرفته و مردم به سختی و در ناامنی به سر می‌برند، با استفاده از نمادهایی چون «ظلمت بیدادگر، آسمان و مرد خفته، دیو تاریکی و اختران» به تصویر کشیده و بدین طریق شکایت خود را بیان می‌دارد:

باز شام تیره آمد زلف بر دامن گرفت / کشور حور و پری را جیش اهریمن گرفت...
ظلمت بیدادگر چون آسمان را خفته دید / خون مرد خفته را مردانه بر گردن گرفت...
هر چه می‌بینم سیاهی، هر چه می‌بینم بدی! / هر چه می‌بینم سیاهی در بدی ممکن گرفت
(حمیدی، ۱۳۲۵: ۳۷ - ۳۵)

اعتراض به عهدنامه ایران و متفقین

قصیده «فروردین خون‌آلود» که «خطاب به نمایندگان مجلس است، حاوی اعتراضاتی است بر بعضی از مواد عهدنامه‌ای که قرار بود بین ایران و متفقین منعقد شود» (همان: ۳۹):

ای رفیقان من! ای که در آن بالایید / چشم دوزید گهی نیز بدین پایینا!
گورکن‌های جهان یار تواند / در پی رونق بازار تواند!
شرط پیمان نبود یکسره پیمان بستن! / دامن خویش مدارید چنین ننگینا!...
(همان: ۳۹)

انتقاد از خیانت سرتیپ‌ها و سرهنگ‌ها

شاعر شعر «سوره یاسین» را در هفدهم دی ماه ۱۳۲۰ در حالی که به اذعان وی ناامنی و غارت و چپاول توسط تاجران و سرهنگ‌ها و سرتیپ‌ها و ... در کشور موج می‌زند، برای دفاع از امنیت و ثروت و اموال وطن زبان به انتقاد گشوده است:

ای وزیران، ای امیران، ای بزرگان، ای پدرها / ای به دانایی سمرها، ای به خوبی مشتورها...
ای کسانی که آن همه عشق وطن کردید تلقین / ای خسان که آن همه جستید زین ره سیم و زرها
خانه آبادان، که خوب این خانه را کردید محکم! / چشم ما روشن! که خوش بستید سر حد و ثغرها...

(همان: ۴۱)

فریاد از اوضاع نامطلوب مردم و جامعه

برخی از جملات پرسشی در واقع معنی اصلی خود را نداشته، بلکه معنی ثانوی آن مورد نظر شاعر است؛ حمیدی نیز در شعر «سوره یاسین» با تکرار «هیچ می‌دانید» که پرسشی در معنای ثانویه است، وضعیت نامناسب مردم و جامعه را فریاد می‌زند:

هیچ می‌دانید می‌گیرند شب‌ها پاسبانان؟! هیچ می‌دانید می‌لرزند شب‌ها پبله‌ورها؟!...
هیچ می‌دانید کان طفلان لرزان برهنه دوش چون پروانه جان دادند با شمع سحرها؟!...

(همان: ۴۲)

شکوه از بی‌لیاقتی رضاشاه

شاعر در شعر «دو پادشاه» با هنرنمایی خود و از طریق صنعت ادبی تشخیص اوضاع آشفته ایران را با مخاطب قرار دادن رضاشاه و بیان بی‌لیاقتی‌های وی چنین تصویرسازی می‌کند:

می‌خوارگی و دزدی و بی‌شرمی بالا گرفت و سایه به سرها زد...!
ناموس گریه کرد و شرافت مرد! خون بر دو رخ ز چشم گهرزا زد!
رقاص‌خانه گشت، دبیرستان! کوس هنر، دریده رعنا زد

(همان: ۵۶)

شکوه از اعمال ظالمانه و رفتار مستبدانه رژیم پهلوی

شاعر در قصیده «صدای زنجیر عدل» از اعمال ظالمانه و رفتار سخت‌گیرانه رژیم پهلوی در برابر مخالفان خود انتقاد می‌کند:

هر که در این ملک سیاسی شود دشمن قانون اساسی شود...!
رخنه در آزادی مردم کند پس خر مخلوق سر و دم کند!
چشم قلم‌ها پر از خون شود نوبت بیداد و شیبخون شود!

(همان: ۶۰ - ۵۹)

انتقاد از وضعیت اسفناک کشور

حمیدی در شعر «لالایی غم‌انگیز» خطاب به وطن، به وضعیت اسفناک و پریشان حال کشور با اشاره به پیشینه استوار و قوی تاریخی، زبان به شکوه می‌گشاید:

خاکی که به یاد آرد آوای نکیس را امروز تو پنداری فریاد حزینستی!

زیر لگد دشمن ما شکمی بینم کش رستم و رویین تن دو طفل چینستی!
یک روز به زیبایی بر حلقه نگین بودی نقشی که کنون گویی در حلقه نگینستی!
(همان: ۷۰)

همچنین در شعر طولانی «رستاخیز» که در تاریخ ۱۳۲۴/۱۱/۰۵ سروده، اوضاع نابسامان ایران را به باد انتقاد گرفته است:

زین طرف سرهنگ مست و خیره‌ای با تیغ زآن طرف آهنگ آه و ناله‌ای از روستایی
آن برهنه شوی، در فرمان شه، بی‌دستمزدی و آن زن سنگین شکم ناچار دنبال غذایی
(همان: ۱۲۳)

شکوه از قحطی و گرسنگی در وطن

حمیدی در شعر «زمستان مرگ» که «این منظومه آخرین اثری است که از سال ۱۳۲۱ در کتاب سال های سیاه دیده می‌شود. فاصله‌ای که بین تاریخ این شعر و چکامه بعدی است حکایت از روزهایی می‌کند که تاریک‌ترین و حیرت‌انگیزترین و مخوف‌ترین دقایق جنگ بر ایران می‌گذشت» (همان: ۷۸). چنان که مردم از گرسنگی حتی به جای گندم فضولات حیوانات را می‌خوردند:

خزان است و روز برهنه تنی است نبرد است و پیکار اهریمنی است!
ز دامان دریا برون جسته دود به پیچیده گردون به خز کبود
تن مهر پوشیده در پرنیان به تاریکی چرخ بسته میان
(همان: ۷۸)

شکوه از فرسودگی و پژمردگی جامعه

در قصیده «نهیب خزان» با استفاده از عناصر طبیعی «فصل خزان، باغ، شب، ابر و باد» شاعر با هنرنمایی ستودنی خویش به فرسودگی و پژمردگی جامعه عصر خود اشاره کرده و از نابسامانی‌های آن عصر شکایت می‌کند:

آمد فصل خزان با خوشی و فرهی باز به دامان باغ ریخت زر ده دهی...
گلبن از خشم ابر جامه به بستان درید خم شد از ترس باد قامت سرو سهی...
راه بیابان گرفت فاخته از بانگ زاغ جیش هریمن نشست جای مه خرگهی
(همان: ۸۴)

انتقاد از مملکت‌داری حکومت وقت

حمیدی در شعر «خزان امید» از اوضاع نامساعد وطن و ضعف حکومت رضاشاه دل‌نگران بوده و هیچ‌امیدی به سر و سامانی وطن ندارد، به طوری که نوع مملکت‌داری حکومت وقت را به باد انتقاد گرفته است:

به جای آن همه قدرت که داشت این کشور کنون بین که به جز عجز و ناتوانی نیست
نشسته همچو زنان گرد هم گروهی دزد بر این گروه دغل‌مردگان همی‌نگرند
(همان: ۸۷)

شکوه از اسارت پاکان و آزادی راهزنان

شعر «وطن» که وضعیت آن دوران را مشخص می‌کند، در تاریخ ۱۶/۰۹/۱۳۲۴ سروده شده است. وطنی که همه پاکان، اسیرند و راهزنان همه آزاد و سرافرازند و دیوانگان و خانه‌دزدان همه رئیس و سالار شده‌اند. حمیدی در شعر مذکور با ایجاد سؤالی در غیر معنی اصلی خود، شکایت خود را بیان می‌دارد:

وطن اینجاست که پاکان همه اینجا بندند؟ وطن اینجاست که آزاد همان راهزن است
این وطن شد که در آن هر کس دیوانه و دزد خانه سالار و خداوند و سرانجمن است؟
(همان: ۱۱۱)

شکوه از رنج‌های سیاسی و اجتماعی

شاعر در شعر «وطن» علاوه بر موارد مذکور از انواع درد و رنج‌های سیاسی و اجتماعی نیز انتقاد کرده است:

بیست سال آن همه اندوه و بلا بردن‌ها همه دیدیم نه افسانه و خواب و وسن است
زندگانی دگر از این که بود بدتر نیست مردن و کشته‌شدن بهتر از این زیستن است
(همان: ۱۱۱)

شکوائیه‌های سیاسی و اجتماعی در مجموعه شعر «ماه در مرداب» پرویز خانلری

خانلری با وجود این که در دوران حکومت پهلوی صاحب برترین مناصب سیاسی از جمله وزیر فرهنگ و قبل از آن معاون وزیر بود با این حال چندان دل‌خوشی از سیاست‌های حاکم بر مملکت نداشت، تا جایی که در سال ۱۳۳۷ در مقاله «درد روزگار» به این موضوع اشاره کرده است:

شکوه از خفقان سیاسی و اجتماعی و عدم آزادی

خانلری نیز همچون سایر شاعران معاصر در پی آزادی‌ای بود که در اشعارش، نه چندان آشکار از آن سخن گفته‌است وی در شعر «ای مژده، ای نوید» ضمن شکایت از جو حاکم بر کشور، تألمات ذهنی و فکری خود را در این خصوص بیان کرده و سعی بر این دارد تا خوانندگان را برای کسب آزادی مورد نظر به تلاش و تکاپو وادارد. او در آرزوی پهلوانی چون تهمتن است که مملکت را از این فضای خفقانی که بر آن غالب شده رهایی بخشیده و آزادی را به ارمغان آورد:

«دیرست تا دو دیده به راهت سپید شد/ وان کوب امید/ در آسمان تیره دل، ناپدید شد/
آزادی ای تهمتن! ای آن که روز و شب/ آواز سم رخس تو از دور می رسد.../ زین دشت
رفته است/ تن خسته، دل شکسته، نفس‌ها گسسته است...» (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۶۹).

در بسیاری از شعرهای خانلری سخن از یک ناجی است، کسی که آزادی را برای همگان نوید خواهد داد:

«در این شب سیاه/ کو اختری که گمشده را راهبر شود/ کو اخگری که شعله به آفاق برکشد/
وین شامگاه ظلمت و وحشت سحر شود/ آن پهلوان کجاست که از ره چو در رسد/ دیو سیاه
فته نیابد ره گریز/ بشتاب! دیر ماندی! ای مایه امید...» (همان: ۱۷۱-۱۷۰).

شعر «نوروز» خانلری شکوه از حبس و دربندی است که با آمدن رهبری مقتدر روزی یخ یأس و ناامیدی ذوب شده و ندای آزادی سر داده می‌شود:

«امسال، پیر نوروز آمد ز ره دژم/ با خاطری پریشان، با بار درد و غم/ دیو سیاه بر سر راهش
نشسته بود/ ره راه به هرچه شادی و مهر است بسته بود/ ای کودک عزیز! زنهار لب دگر به شکر
خنده وامکن/ دیو سیاه دشمن شادی و خرمی است.../ دیو سیاه مرد/ نوروز زنده باد» (همان: ۱۷۳).

شاعران رومانتیسم آزادی فردی را هم ردیف آزادی اجتماعی دانسته و «در جستجوی نیرویی بودند که بتواند برای درهم ریختن وضع موجود و از میان بردن تباهی، از اعماق زندگی مردم و روح جمعی ملت‌ها سر برآورد» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۶). خانلری در شعر «خاموش و سرد» که در سال ۱۳۴۴ سروده و مقارن است با تأسیس بنیاد فرهنگ ایران و انتشار بیش از ۳۵۰ کتاب در مجموعه‌های مختلف (ر.ک: مسکوب، ۱۳۹۲: ۱۴۱). با فشارهای ساواک برای سانسور محتوای

برخی از نوشته‌ها مواجه بود. او اعتراض و شکایت خویش را برای دستیابی به آزادی قلم و رهایی از سانسور، به طور پوشیده مطرح کرده و از واژه‌های چون «سیمرغ» که نماد کمال و بزرگی است مدد جسته تا مردم را از خواب غفلت بیدار سازد، چرا که از بی‌تفاوتی‌های مردم در برابر ظلم و ستم حاکمان وقت دلخور است:

«خاموش و سرد بر سر تیغ بلند قاف / سیمرغ، شاه مرغان / تنها نشسته بود / زان بادها که بر سر این خاکدان وزند / زان خاک‌ها که آید از آن دیده را گزند / زان آب‌ها که شوید / در شیب‌های تند / پاک و پلید را / زان برق‌ها که سوزد، سرخ و سپید را / او را خبر نبود...» (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۶۴-۱۶۳).

همان‌گونه که اشاره شد یکی از مضامین ادب غنایی در دوره معاصر نفی استبداد و استبدادگری است، عشق به وطن در خانلری یک حس درونی بود تا جایی که در نامه‌ای به پسر خود می‌گوید: «من و تو از آن نهال‌هایی نیستیم که آسان بتوانیم ریشه از خاک خود برکنیم و در آب و هوایی دیگر نمو کنیم» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۳۸۱). وی شعر «در آرزوی وطن» را که در دیار غربت سروده، حس میهن‌پرستی خود را بیان داشته‌است. البته غم غربت نیز آتش وطن‌پرستی وی را شعله‌ورتر ساخته‌است:

فرخنده جایگاهی کان میهن من است وین رنج برده دل را آن گوشه مأمّن است
آنجاست کز جمال هنر، دل منور است آنجاست کز فروغ خرد، دیده روشن است
آزادی و بزرگی و رادی و مردمی در دانه است اگر چه ز هر سو به خرمن است
(خانلری، ۱۳۹۲: ۱۴۶-۱۴۵)

شکایت از اوضاع مشتجع اجتماعی

شاعر در شعر «سرگذشت» به سبب اسارت در چنگال زمانه پریشان‌خاطر است:

در چنگ زمانه تا گرفتارم با جان غمین و با دل زارم
از یاد و دریغ و حسرت و امید پرسوز و پریش خاطر دارم
(همان: ۷۰)

خانلری کاملاً واقف است که در جهان هیچ کس بدون درد و رنج نیست و همه غرق در گردباد غم و محنت هستند. چنان که در شعری با عنوان «ملال» صراحتاً به ستم و عدم دادخواهی در این پهن دشت هستی اشاره دارد:

در پهن دشت هستی پیدا پناه نیست خون می خوری و هیچ کست دادخواه نیست
حتی برای اشک نداری به دل امید حتی برای مرگ دو چشمت به راه نیست...
(همان: ۷۷)

رنج‌های اجتماعی، دردهایی است که از اوضاع نامساعد جامعه حاصل می‌شود. خانلری در اشعار اجتماعی خود درد مردم دردمند را با تمام وجود حس کرده و انعکاس داده است. درد و رنجی که انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. همانند شعر «یاد و آرزو» که روزگار تلخ آرزوهای بر باد رفته را تداعی می‌کند:

عیار زمانه گه به تلخی گاهی به خوشی و مهربانی
هر دم ز تو گیرد آرزویی یادی سازد از آن، نهانی...
ناگه مرگت به گوش گوید اینک پایان زندگانی
(همان: ۸۳)

شکایت از وطن و هم‌وطن

پس از سقوط رضاخان، روشنفکران و اندیشمندان امیدوار بودند که آزادی و عدالت، پا به عرصه وجود خواهد گذاشت، اما اوضاع نامساعد کشور این امید را به یأس و ناامیدی مبدل ساخت. خانلری نیز چون همه با ناامیدی مواجه شده در شعر «آهنگ سفر» به بهترین شکل آن را بیان می‌دارد. وی معتقد است که مهر و محبت در این سرزمین دشمن خیز هیچ ارزشی ندارد پس باید از این دیار رخت سفر بربست اما افسوس که دل کندن از زادگاه کاری بس دشوار است:

خاک این کوی، ملال‌آمیزست خوش‌دلی را ز رهش پرهیزست...
خیز کاینجا همه کین است و ستیز دل پر مهر نیرزد به پیشیز
دستگیری کن، ای شوق نجات پایداری کن ای عزم گریز
من و زین ورطه‌رهایی هیهات! آرزو، حسرت و دردم بفزود...
(همان: ۱۰۲ - ۱۰۱)

شاعر در شعر «خانه متروک» از سینه پرسوز خود که سرایی تاریک و تهی است و از این که همه او را تنها گذاشته‌اند شکایت می‌کند:

در سینه پر سوز من ای دوست ای دوست سرایست در سینه پر سوز من
تاریک و تهی بینی‌اش امروز ولیکن پیوسته نه تاریک و تهی بوده چو امروز

(همان: ۱۰۱۳۵)

نتیجه‌گیری

ادب غنایی مفاهیم و مضامین گوناگونی دارد که در مقاله حاضر از بین این مؤلفه‌ها، شکوائیه‌های سیاسی و اجتماعی به دلیل تغییر دیدگاه شاعران دوره معاصر به اوضاع سیاسی و اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفت. خانلری در مجموعه شعر «ماه در مرداب» از عنصر شکوائیه به سبک و سیاق خاص خود استفاده کرده‌است. خانلری برخلاف اکثر شاعران دوره معاصر که در صدر پربسامدترین شاعران سیاسی‌پرداز قرار دارند. در اشعار او بیان مشکلات شخصی بسامد بالایی دارد. شکوائیه در زبان او از حیث قالب و بیان گاهی به ساده‌ترین شیوه و به صورت روان و صمیمی بیان می‌شود. و گاهی او در برخی از ابیاتش از زبان عاشقانه استفاده می‌کند. شکوائیه‌های خانلری بیشتر از بعد شخصی مانند فراق یار، درد و هجران عشق و عاشقی و... قابل تأمل است. وی هراز گاهی هم از مسائل سیاسی و اجتماعی انتقاد کرده و زبان به اعتراض می‌گشاید. و نارضایتی و شکوه او از عملکرد حکومت و سیاست در بعضی از اشعارش به چشم می‌خورد. شکایت خانلری بیشتر از آزادی بیان و کلام است. و همین امر او را به گله‌مندی از محیط خفقان اجتماعی می‌کشاند. شاعر از مردم که سازنده نقش‌های سیاسی، شخصی و اجتماعی دنیای او هستند و در مقابل ظلم و ستم تسلیم شده و سکوت اختیار کرده‌اند شکایت دارد. وی دید اجتماعی خود را به وصف درد و رنج‌های مردم دردمند از روزگار تلخ و آرزوهای بر باد رفته آن‌ها معطوف ساخته‌است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شاید شاعر به دلیل داشتن مناصب سیاسی و محدودیت‌های ناشی از آن، کمتر مجال بیان شکوائیه‌های سیاسی و اجتماعی را داشته‌است. با این همه از این موضوع نیز به طور کامل فارغ نبوده و نمونه‌هایی از این دست در مجموعه شعر وی نمود پیدا کرده‌است. بررسی اشعار شکوایی در مجموعه «سال‌های سیاه» مهدی حمیدی نیز بیانگر توجه بیشتر وی به شکوائیه‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به سایر شکوائیه‌هاست، در حقیقت وی با هنرنمایی خود به انتقاد و اعتراض از اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی به زبان شکوایی پرداخته‌است. شاعر میهن‌پرست برای تحقق اهداف خود تمام سعی و تلاشش را به کار می‌گیرد. تا به آزادی و مقابله با حاکمان نالایق، خیانت سرتیپ‌ها و سرهنگ‌ها، اوضاع نامطلوب مردم و جامعه، اعمال ظالمانه و رفتار مستبدانه رژیم پهلوی، وضعیت اسفناک کشور، قحطی و گرسنگی در وطن، بی‌عدالتی‌ها، فساد اجتماعی

و هر آن چه که باعث ایجاد تشنج و اختلاف در جامعه گردد، دست یابد. با تحلیل اشعار وی، دیدگاهش نسبت به آینده ایران و ایرانی و عشق به وطن و حس میهن پرستی کاملاً مشهود است. در واقع اشعار او در همین مسیر حرکت می‌کند و در این راه از هیچ کوششی کوتاهی نمی‌کند.

منابع

کتاب‌ها

جعفری جزئی، مسعود (۱۳۷۸) *سیر رومان‌تیسیم در اروپا*، تهران: مرکز. حاکمی، اسماعیل (۱۳۸۶) *تحقیق درباره ادبیات غنایی ایران و انواع شعر غنایی*، تهران: دانشگاه تهران.

حمیدی شیرازی، مهدی (۱۳۲۵) *سال‌های سیاه*، تهران: رنگین. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران. رزمجو، حسین (۱۳۸۵) *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد. رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۹) *احوال و آثار پرویز ناتل خانلری*، تهران: طرح نو. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶) *حکایت همچنان باقی*، تهران: سخن. ظفری، ولی الله (۱۳۸۸) *حبسیه در ادب فارسی (از آغاز شعر پارسی تا پایان زندیه)*، تهران: امیرکبیر.

عبادیان، محمود (۱۳۷۹) *درآمدی بر ادبیات معاصر ایران*، تهران: گهر. فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۷) *در گلستان خیال حافظ*، تهران: بنیاد نیکوکاری ایران. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۹۲) *ماه در مرداب (مجموعه اشعار ناتل خانلری)*، تهران: معین. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۷) *جویبار لحظه‌ها (ادبیات معاصر نظم و نثر)*، تهران: جامی.

مقالات

طالب‌زاده، نوشین، حسام‌پور، سعید. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل شکواییه در شعر ملک‌الشعرای بهار. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۱(۳۹)، ۳۱-۵۰. محمدی، محتشم، علوی، بشیر. (۱۳۹۷). بازتاب رخدادهای سیاسی و اجتماعی در شعر حمیدی شیرازی. *شعر پژوهی (بوستان ادب)*، ۱۰(۳)، ۱۴۱-۱۶۶. doi: 10.22099/jba.2017.24.154.2560

مسکوب، ترانه. (۱۳۹۲). سال‌شمار زندگی و آثار دکتر پرویز ناتل خانلری، بخارا، (۹۴)، ۱۳۷-۱۴۷.

References

Books

- Dehkhoda, Ali Akbar (1998) *Dehkhoda dictionary*, Tehran: Tehran University.
- Ebadiyan, Mahmoud (2000) *An introduction to contemporary Iranian literature*, Tehran: Ghohar.
- Farshid Vard, Khosro (1978) *In Golestan Khyal Hafez*, Tehran: Iran Charitable Foundation.
- Hakemi, Esmail (2007) *Research on Iranian lyrical literature and types of lyrical poetry*, Tehran: Tehran University.
- Hamidi Shirazi (1946) *Black years*, Tehran: Ranghin.
- Jafari, Masoud (1999) *The course of romanticism in Europe*, Tehran: Markaz.
- Natl Khanlari, Prviz (2013) *Mah Dar Mordab (Natl Khanlari Collected Poems)*, Tehran: Moin
- Pir Niya; Eghbal Ashtiyani, Abbas; Agheli, Bagheri (2005) *History of Iran before Islam*, Tehran: Vanak.
- Rastghar Fasai, Mansour (2000) *Natl Khanlari Status and works*, Tehran: Tarh No.
- Razmjoo, Hosein (2006) *Literary types and their works in Persian language*, Mashhad: Mashhad University.
- Yahaghi, Mohammad Jafar (2008) *Stream of moments (Contemporary literature of verse and prose)*, Tehran: Jami
- Zafari, vali ollah (2009) *Imprisonment in Persian literature (From the beginning of Persian poetry to the end of Zنديهه)*, Tehran: Amir Kabir.
- ### Articles
- Alavi, B. (2018). Reflection of Political and Social Events in Hamidi Shirazi's Poetry. *Journal of Poetry Studies (boostan Adab)*, 10(3), 141-166. doi: 10.22099/jb a.2017.24154.2560
- Meskob, S. (2012). Annals of the life and works of Dr. Parviz Natal Khanleri. *Bukhara*, (94), 137-147.
- Talebzadeh, N., Hessampor, S. (2019). Review and analysis of the crumbs in the poems of Malek al-ShoaraBahar. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 11(39), 31-50.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 55, Spring 2023, pp. 504-520

Date of receipt: 6/10/2022, Date of acceptance: 16/11/2022

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1968911.2597](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1968911.2597)

The Analysis of Political and Social Complaints in the Poems of Contemporary Period with a Look at Parviz Khanlari's "Mah dar mordab" and Mehdi Hamidi's "Salhaye siah" Anthology of Poems

Batul Azizi Jirabadi¹, Dr. Narges Asghari Gwar², Dr. Ali Ramezani³

۵۲۰

Abstract

One concept of lyrical literature in contemporary period which influenced thoughts and languages of speakers of it, is political and social complaints. Focusing on such concepts, many poets talked about instabilities and challenges of that period. This article will examine reasons for the importance of contemporary period and poets' poems in this period which focuses on political and social issues. This article will also examine social and political complaints in the poems of Parviz Khanlari and Mehdi Hamidi Shirazi; two famous poets of contemporary period. Parviz Khanlari is among contemporary poets who couldn't refer to political and social problems in his poems because of his political and social position, but he included such problems in his poems implicitly. Social sufferings, objection to anti-values, political repression and absence of freedom are among the concepts included in his anthology of poems. Hamidi is also one of the skilled poets who is capable of referring to political and social issues and complaints against his country's instabilities. He included political and social issues and complaints in his "Salhaye siah" anthology. In this collection, he referred to people's pains and problems, inefficiency of the government, brutality of Pahlavi Regime, starvation and superiority of plunderers. This article will examine political and social complaints in a descriptive and analytical manner in the poems of referring poets.

Keywords: Lyrical literature, Political literature, Political and social complaints, Parviz Natl-Khanlari, Mehdi Hamidi.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran. b_azizi@iau-ahar.ac.ir

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran. (Corresponding Author) Na.Asghari@iau.ac.ir

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran. a-ramazani@iau-ahar.ac.ir